

نقش‌نما

اهداف

- الف) هدف کلی: آشنا ساختن دانش‌آموز با عناصر نقش‌نما در زبان فارسی
- ب) هدف‌های جزئی و رفتاری: در پایان این درس، از دانش‌آموز انتظار می‌رود:
- ۱- نقش‌نمای مفعولی و جایگاه آن را بشناسد.
 - ۲- نقش‌نمای اضافه را بشناسد و جایگاه آن را بداند.
 - ۳- نقش‌نمای متممی (حرف اضافه) و جایگاه آن را بشناسد.
 - ۴- نقش‌نمای جمله‌های وابسته را بشناسد (پیوندهای وابسته ساز) و جایگاه آن را بداند.
 - ۵- نقش‌نمای جمله‌های همپایه (پیوندهای همپایه‌ساز) را بشناسد و جایگاه آن را بداند.
 - ۶- نقش‌نمای منادایی (نشانه‌ی ندا) را بشناسد و جایگاه آن را بداند.

منابع

الف) منابع اصلی

- ۱- دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری؛ مهدی مشکوة الدینی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۲- دستور زبان فارسی (۱)؛ تقی وحیدیان کامیار و غلامرضا عمرانی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹.

ب) منابع کمکی

- ۱- دستور زبان فارسی امروز؛ غلامرضا ارژنگ، تهران، نشر قطره، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۲- دستور زبان فارسی (۱) و (۲)؛ حسن انوری و حسن احمدی گیوی، تهران انتشارات فاطمی، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.
- ۳- نحو زبان فارسی (بر پایه‌ی نظریه‌ی حاکمیت و مرجع‌گزینی)؛ سید علی میر عمادی، تهران،

انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۴- دستور کاربردی زبان فارسی؛ مهرانگیز نوبهار، تهران، انتشارات رهنما، چاپ اول، ۱۳۷۲.

روش‌های پیشنهادی برای تدریس

۱- روش همیاری و ۲- الگوی تفکر استقرایی.

ابتدا معلم دانش‌آموزان را به گروه‌هایی تقسیم می‌کند و متنی را به آن‌ها می‌دهد. آن‌گاه، هر گروه را موظف به یافتن گروه‌های اسمی با یک نقش دستوری می‌کند؛ مثلاً یک گروه مفعول‌ها، گروه دیگر متمم‌ها و... را استخراج کند. سپس از آن‌ها می‌خواهد که در مورد علت تشخیص خود توضیح دهند. به این ترتیب، معلم می‌تواند دانش‌آموزان را به شناخت نقش عناصر نقش‌نما هدایت کند.

مفاهیم و نکات اساسی درس

نقش‌نما

الف) مردی پلنگی دید ب) پلنگی مردی دید.

فاعل مفعول فاعل مفعول

در جمله‌های بالا، نقش فاعل و مفعول با توجه به ترتیب و جایگاه آن‌ها در جمله معلوم می‌شود. در جمله‌ی «الف» «مردی» فاعل است؛ چون مقدم است. در جمله‌ی «ب» نیز «پلنگی» فاعل است؛ چون مقدم بر «مردی» آمده است. اکنون به دو جمله‌ی زیر توجه کنید.

پ) رستم سهراب را کشت.

فاعل مفعول

ت) سهراب را رستم کشت.

فاعل مفعول

در دو جمله‌ی «ب» و «پ» با توجه به این که ترتیب عناصر جمله متفاوت است، فاعل و مفعول تغییر نکرده‌اند. چرا؟

«را» عنصری است که نقش مفعولی را مشخص می‌کند و به مفعول امکان می‌دهد که در جاهای مختلف جمله قرار گیرد.

عناصری چون نشانه‌ی مفعول، حروف اضافه، حروف ربط، کسره‌ی اضافه و نشانه‌ی ندا را «نقش‌نما» می‌نامند؛ زیرا هرکدام نشان‌دهنده‌ی یک نقش دستوری در جمله‌اند.

۱- نقش‌نمای مفعولی: یکی از وظایف «را» در جمله، مشخص کردن نقش مفعولی است.

وجود این عنصر در برخی جاها الزامی و در برخی جاهای دیگر اختیاری است.

الف) فاطمه غذا را خورد. ← فاطمه غذا خورد.

ب) علی آن کتاب را خواند. ← علی آن کتاب خواند.

همان طور که می‌بینید، وجود «را» در جمله‌ی «الف» الزامی نیست اما در جمله‌ی «ب» الزامی است.

اگر گروه اسمی مفعول اسم جنس یا اسم نکره باشد، وجود «را» الزامی نیست ولی اگر گروه

اسمی مفعول اسم خاص، اسم معرفه یا ضمیر باشد، وجود «را» الزامی است.^۱

را «علاوه» بر نقش نمای مفعول، معمولاً نشانگر معرفه بودن گروه اسمی همراهش نیز هست.

۲- نقش نمای اضافه: تکواژ (e =) هرگاه پس از اسم قرار گیرد، کلمه‌ی پس از آن یکی از

دو نقش صفت یا مضاف‌الیه را دارد:

به گل زیبای باغچه آب دادم.

صفت مضاف‌الیه

برخی از حروف اضافه مانند: برای، بهر، همراه با کسره به کار می‌روند.

۳- حروف اضافه: تکواژهایی چون به، از، با، در، برای، تا، چون و... پیش واژه‌ی متمم‌ساز

هستند و به گروه اسمی پس از خود نقش متممی/ متمم قیدی می‌دهند. پس آن‌ها را «نقش‌نمای

متممی» می‌نامند.

۴- حروف ربط (پیوند): این حروف به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) حرفی که پیش از جمله‌های وابسته قرار می‌گیرند و در اصطلاح «پیوندهای وابسته‌ساز»ند؛

مانند: که، تا، اگر، اگرچه، برای این که:

تلاش کنید تا موفق شوید.

پایه (هسته) پیوند وابسته‌ساز پیرو (وابسته)

ب) پیوندهای همپایه ساز، حرفی هستند که جمله‌های همپایه را به هم ارتباط می‌دهند؛ مانند:

و، یا، اما، ولی، لیکن، پس. دو حرف ربط «و» و «یا» برای ارتباط دادن واژه‌ها و گروه‌ها به یک دیگر

نیز به کار می‌روند.

مثال: در آن روزگار هیچ‌کس از قوانین طبیعت و ساختمان بدن آدمی یا چگونگی فعالیت ذهن

و اندیشه‌ی او آگاه نبوده و کسی خواندن و نوشتن نمی‌دانسته است اما امروز چنین نیست.

بعضی از حروف ربط به صورت تکراری در ابتدای جمله‌های همپایه می‌آیند و آن‌ها را به هم

ارتباط می‌دهند: چه... چه، نه... نه، خواه... یا... یا

۱- ر. ک. مشکوة الدینی، دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری. صص ۱۸۷-۱۸۵.

نه درس می خواند، نه کار می کند نه ورزش.

۵- نشانه‌ی ندا: تکواژهای «ای»، «یا» و «ا» در زبان فارسی مشخص کننده‌ی نقش منادایی هستند. این تکواژها را «نشانه‌ی ندا» می نامند.

ای: پیش از اسم می آید: ای خدای بزرگ، ای شاه مردان.

یا: پیش از اسم می آید: یا امام هشتم، یا علی.

ا: پس از اسم می آید: پروردگارا، خداوندا.

در زبان فارسی معاصر از نشانه‌های ندا کم تر استفاده می شود و در عوض، با جابه‌جا کردن تکیه‌ی اسم، آن را منادا می کنند. در این زبان معمولاً تکیه‌ی اسم‌ها بر هجای آخر است و اگر تکیه را به هجای اول منتقل کنیم، منادا می شود.

بهروز آمد،

بهروز، بیا.

منادا

در زبان فارسی امروز از نشانه‌ی ندای «آی» نیز استفاده می شود؛ آی مردم.

پاسخ فعالیت

فعالیت: با ذکر مثال، درباره‌ی جایگاه هر یک از این نقش‌نماها گفت و گو کنید.

پاسخ:

۱- نقش‌نمای مفعولی «را» همیشه پس از گروه اسمی مفعول می آید:

خانه‌ای ساحلی را در نظر خود مجسم کنید.

مفعول نقش‌نمای مفعولی

هنگام غروب نیز انعکاس سرخی شفق را بر سطح دریا می توان دید.

مفعول نقش‌نمای مفعولی

دریای موج گویی هزاران بار تصویر خورشید را در هم می شکند.

مفعول نقش‌نمای مفعولی

۲- نقش‌نمای اضافه «e/-» پیش از مضاف‌الیه یا صفت قرار می گیرد:

روزهای ابری آسمان تیره رنگ دریا پرواز مرغان دریایی

صفت صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه صفت

۳- نقش‌نمای متممی (حرف اضافه) پیش از متمم/ متمم قیدی می آید:

به خانه‌ی ساحلی باز گردیم. خورشید از پشت افق پدیدار می‌شود و پرتوی
حرف اضافه متمّم حرف اضافه متمّم قیدی
سرخ‌گون بر امواج دریا می‌افکند.

حرف اضافه متمّم
۴- نقش‌نمای پیوند (حرف ربط):

الف) پیوندهای وابسته‌ساز در ابتدای جمله‌ی وابسته می‌آیند:

همین که به مدرسه رسیدم زنگ خورده بود.

پیوند وابسته‌ساز جمله‌ی وابسته

تلاش کنید تا موفق شوید.

پیوند وابسته‌ساز جمله‌ی وابسته

کسانی که تلاش می‌کنند، موفق‌اند کسانی موفق‌اند که تلاش می‌کنند.

پیوند وابسته‌ساز جمله‌ی وابسته

ب) پیوندهای همپایه‌ساز، میان دو جمله، دو گروه، یا دو واژه می‌آیند:

کتاب و دفتر خود را برمی‌دارم و با آتوبوس یا پای پیاده به سوی مدرسه حرکت می‌کنم اما هیچ

وقت دیر به مدرسه نمی‌رسم.

۵- نقش‌نمای منادا (نشانه‌ی ندا):

الف) «ای»، «آی» و «یا» پیش از منادا می‌آیند.

آی آدم‌ها، یا ابوالفضل، ای مردم

نشانه‌ی ندا منادا نشانه‌ی ندا منادا نشانه‌ی ندا منادا

ب) «ا» پس از منادا می‌آید: پروردگار ا، خداوند ا.

منادا نشانه‌ی ندا منادا نشانه‌ی ندا

خودآزمایی

۱- حروف ربط (پیوندها) وابسته‌ساز و همپایه‌ساز را در نوشته‌های زیر مشخص کنید.

سعدی، اگر به درگاه بزرگان می‌رفت، غالباً برای آن می‌رفت که مگر ستمکاری را از تعدّی به

پیوند وابسته‌ساز

پیوند وابسته‌ساز

مظلومی باز دارد یا برای بیچاره‌ای، چاره‌ای بجوید.

پیوند همپایه‌ساز

سعدی نویسنده است و شاعر اما در نویسندگی، شهرتش بیش تر به سبب گلستان است؛

پیوند همپایه‌ساز پیوند همپایه‌ساز

در صورتی که به جز آن کتاب‌های دیگری نیز دارد.

پیوند وابسته ساز

با آن که بیش تر عمر ملک الشعراء بهار در مطالعات ادبی گذشت، از توجه به آزادی و

پیوند همپایه‌ساز

پیوند وابسته ساز

آزادی خواهی لحظه‌ای غافل نبود.

۲- جاهای خالی نوشته‌های زیر را با نقش‌نمای مناسب پر کنید.

اولین روزی که ... دیدن دوستم رفتم، او را ... مزرعه سرگرم کار دیدم.

فردوسی سی سال از عمر گران بهای خود ... صرف سرودن شاهنامه کرد.

علامه دهخدا امثال و حکم فارسی ... در چهار جلد نوشت.

نهاد، کلمه ... گروهی از کلمات است ... درباره‌ی آن خبر می‌دهیم.

۳- واژه‌های «برادر»، «ایران»، «فردوسی»، «ادبیات» را با نقش‌نماهای: را، کسره، حرف اضافه و حرف ندا در جمله‌های جداگانه به کار ببرید و مفعول، مضاف‌الیه، متمم و منادا بسازید.

مثال: ای برادر، چرا از وظیفه‌ات رویگردانی؟ برادر = منادا

مسلمان باید گرفتاری برادر مسلمانش را رفع کند. برادر = مضاف‌الیه

روش درست درس خواندن را از برادرت یاد بگیر. برادر = متمم

برادرت را دیدم. برادر = مفعول

پاسخ

ای ایران، همیشه آزاد و آباد باش. ایران = منادا

مردم ایران صمیمی و مهربان‌اند. ایران = مضاف‌الیه

او پس از سال‌ها به ایران بازگشت. ایران = متمم

ایران = مفعول	ایران را آباد کنیم.
فردوسی = منادا	ای فردوسی، همیشه تو را دوست خواهیم داشت.
فردوسی = مضاف الیه	شاهنامه‌ی فردوسی یکی از افتخارات ادبیات فارسی است.
فردوسی = متمم	ایستادگی را باید از فردوسی آموخت.
فردوسی = مفعول	جوانان ما باید فردوسی را خوب بشناسند.
ادبیات = منادا	ای ادبیات، زندگی بی تو چه سخت است!
ادبیات = مضاف الیه	درس ادبیات فارسی را جدی‌تر بگیریم.
ادبیات = متمم	دلم برای ادبیات می‌تپد.
ادبیات = مفعول	ادبیات ارزشمند کشور خود را بهتر بشناسیم.

برای نامه‌ای دوستانه، یک آغاز و یک پایان مناسب بنویسید.
نمونه‌ی یک آغاز:

«هر چند مشغله‌های زندگی فرصتی باقی نگذاشته است اما لحظاتی به فکر دوستی قدیمی چون تو بودن، موجب نشاط روح من می‌شود.»

نمونه‌ی یک پایان:

«حرف و حدیث زیاد است و مجال نامه محدود؛ پس بهتر است کلام را کوتاه کنم و در انتظار فرصتی بمانم که بتوانیم یک‌دیگر را ببینیم و مفصل صحبت کنیم.»

پرسش‌های نمونه

۱- با ذکر مثال مشخص کنید که نقش‌نمای مفعول (را) در چه مواقعی حذف شدنی است.

پاسخ

۱- وقتی که گروه اسمی مفعول نکره باشد: کتابی خواندم.

۲- وقتی که گروه اسمی مفعول اسم جنس باشد و مورد تأکید نباشد: می‌خواستم گفتم بخرم.

۲- در زبان فارسی معیار، برای منادا ساختن اسم بیش‌تر از چه روشی استفاده می‌کنند؟

پاسخ: در زبان فارسی معیار، منادا بیش‌تر با انتقال تکیه‌ی اسم بر هجای آخر ساخته می‌شود و نشانه‌های ندا جز در بعضی موارد، کاربرد ندارند.

۳- گروه‌های دو جمله‌ی زیر را جابه‌جا کنید و درباره‌ی تغییرات حاصل و علت آن‌ها به بحث و گفت‌وگو بپردازید.

الف) پروین کتاب فارسی را از قفسه‌ی کتاب‌ها برداشت.

ب) انسان شیر می خورد.

پاسخ:

الف - ۱- پروین از قفسه‌ی کتاب‌ها کتاب فارسی را برداشت.

الف - ۲- از قفسه‌ی کتاب‌ها پروین کتاب فارسی را برداشت.

الف - ۳- کتاب فارسی را پروین از قفسه‌ی کتاب‌ها برداشت.

الف - ۴- از قفسه‌ی کتاب‌ها کتاب فارسی را پروین برداشت.

می‌بینیم که گروه‌ها به راحتی جابه‌جا می‌شوند؛ بدون آن که به معنای اصلی جمله‌ی «الف»

آسیبی وارد شود.

– البته تأکیدها و تکیه‌ها متفاوت است و این امکان جابه‌جایی به دلیل وجود نقش نماهاست که

موجب می‌شوند گروه اسمی همراهشان در هر جای جمله، نقش خود را حفظ کند.

گروه‌های جمله‌ی «ب» نقش‌نما ندارند؛ به همین دلیل جابه‌جایی آن‌ها باعث تغییر معنای جمله

می‌شود.

ب - ۱- شیر انسان می‌خورد.

خلاصه نویسی

اهداف

- الف) هدف کلی: آشنا ساختن دانش آموز با خلاصه نویسی، یکی از راه های تمرین نگارش
- ب) هدف های جزئی و رفتاری: در پایان این درس، از دانش آموز انتظار می رود:
- ۱- مقصود از خلاصه نویسی و فایده ی آن را توضیح دهد.
 - ۲- نکاتی را که در خلاصه نویسی باید بدان توجه نمود، بیان کند.
 - ۳- مفاهیم علمی را به طور دقیق، خلاصه نماید.
 - ۴- یک داستان را با توجه به شخصیت ها و حوادث کلی، به شکل درست خلاصه نویسی کند.
 - ۵- متون مطالعه شده را به طور خلاصه بنویسد.
 - ۶- به پرسش های درس پاسخ های دقیق و درستی بدهد.
 - ۷- نشانه های خطی را تشخیص دهد و به درستی به کار ببرد.

منابع

الف) منابع اصلی

- ۱- آیین نگارش؛ احمد سمیعی (گیلانی)، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲- مکاتبات اداری؛ خسرو قاسمیان، نشر زر، چاپ اول، س ۱۳۷۹.
- ۳- آیین پژوهش و مرجع شناسی؛ حسن احمدی گیوی، نشر هما، س ۱۳۷۳.
- ۴- کتاب کار نگارش و انشا (۱)؛ حسن ذوالفقاری، انتشارات اساطیر.

ب) منابع کمکی

- ۱- شیوه ی نگارش؛ مرتضی کاخی، انتشارات امیرکبیر.
- ۲- گزارش نویسی و آیین نگارش؛ مهدی ماحوزی، انتشارات اساطیر.
- ۳- راهنمای نگارش و ویرایش؛ محمد جعفر یاحقی، محمد مهدی ناصح، آستان قدس.

روش‌های پیشنهادی برای تدریس

۱- الگوی همیاری، ۲- الگوی مقایسه، ۳- الگوی تمرین دادن، ۴- الگوی تعامل و کنش متقابل.

مفاهیم و نکات اساسی درس

- خلاصه‌نویسی یکی از راه‌های تمرین نگارش است.
- برای تهیه‌ی خلاصه‌ی یک اثر، می‌توان قسمت‌های مهم یک مقاله، بندهایی از یک نوشته یا کتاب و هر چیز دیگر را به میزان دلخواه خلاصه کرد.
- برای کوتاه کردن یک اثر داستانی، هم‌چنین می‌توان پس از خواندن هر بخش از داستان یا گل آن، خلاصه و حاصل داستان را به قلم خود بازنویسی کرد.
- فایده‌های خلاصه‌نویسی عبارت‌اند از:
 - الف) به ما کمک می‌کند که نتیجه‌ی تمامی مطالعات خود را در حجمی اندک حفظ کنیم.
 - ب) میزان دقت و تمرکز ما را برای درک و دریافت مفاهیم متن افزایش می‌دهد.
 - پ) دست ما را برای نگارش، باز و توانا می‌سازد.
- پیشنهادهایی برای خلاصه‌نویسی:

۱- متن موردنظر را به دقت بخوانید تا از موضوع، اهداف و خطوط اصلی آن کاملاً آگاه شوید.

- ۲- روش و میزان خلاصه‌نویسی را معین کنید.
- ۳- مفاهیم و نکات مهم نوشته را مشخص نمایید.
- ۴- از کم و زیاد کردن مفاهیم کلیدی متن بپرهیزید.
- ۵- موارد غیرضروری را حذف کنید.
- ۶- متن اصلی را با خلاصه‌ی آن مطابقت دهید و نکات نگارشی را در آن رعایت کنید.
- ۷- مشخصات متن اصلی را بنویسید و ارزش اثر را نیز یادآوری کنید.
- در خلاصه‌نویسی باید به موارد زیر توجه داشته باشیم:
 - الف) اگر خلاصه‌نویسی مربوط به یک داستان است، توجه به ویژگی شخصیت‌های اصلی و حوادث کلی آن ضروری است.

- ب) در خلاصه کردن نوشته‌ی علمی، باید مفاهیم علمی را به طور دقیق بیان کنیم.
- پ) هر مطلب یا موضوعی قابلیت خلاصه‌شدن را ندارد.

ت) هرگاه غرض از خلاصه نویسی، ساده کردن نوشته باشد، باید از آوردن برخی نکته‌های اصلی صرف نظر کنیم.

ث) در خلاصه نویسی، عبارت‌های غیرضروری (آرایه‌ها، مترادف‌ها و...) را می‌توانیم حذف کنیم.

ج) برای کوتاهی جمله‌ها بهتر است از فعل‌های ساده و کلمات رسا استفاده کنیم.

* * *

– از نشانه‌های خطی در مواردی استفاده می‌کنیم که رعایت نکردن آن‌ها موجب ابهام و ... بدفهمی می‌شود (بیاموزیم).

پاسخ خودآزمایی

۱- با حذف مترادف‌ها، جمله‌های معترضه و به کارگیری کلمه به جای عبارت، جمله‌های زیر را کوتاه‌تر کنید؛ به طوری که مفهوم اصلی حفظ شود.

الف) مشورت با خردمندان در واقع شریک شدن در عقل و اندیشه‌ی آن‌هاست.

ب) زیاد خواندن، نشان دانشمندی نیست بلکه راه و روش صحیح داشتن مهم است.

پ) خرد سبب هدایت انسان می‌شود و جاهلان خود را از این نعمت بی‌بهره ساخته‌اند.

۲- داستان «خیر و شر» را با حفظ سبک نویسنده خلاصه کنید.

دانش‌آموزان عزیز با توجه به اصولی که در بحث خلاصه‌نویسی آموخته‌اند، توانایی انجام دادن

این کار را دارند. در عین حال، می‌توانند از منابع زیر نیز کمک بگیرند.

۱- هفت پیکر؛ نظامی.

۲- داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی؛ زهرا کیا (خانلری)

۳- قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب؛ مهدی آذر یزدی، (داستان خیر و شر).

فهرست منابع

الف) فهرست منابع نگارش و املا

- ۱- آیین نگارش؛ احمد سمیعی (گیلانی)، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هفتم، ۱۳۷۷.
- ۲- انگیزش در کلاس درس؛ چریل.ال. اسپالدینگ. مترجمان: اسماعیل بیابانگرد و محمدرضا نائینیان، انتشارات مدرسه، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۳- دل کور؛ اسماعیل فصیح. چاپ اول، ۱۳۵۲.
- ۴- راهنمای درس املا و دستورالعمل تصحیح آن؛ حسین داودی. انتشارات مدرسه، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۵- روزها؛ محمد علی اسلامی ندوشن. انتشارات یزدان، چاپ اول، ج ۳، ۱۳۷۶.
- ۶- زبان فارسی (۱)، سال اول دبیرستان؛ شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۸۰.
- ۷- کتاب کار نگارش و انشا. (۱ و ۲)؛ حسن ذوالفقاری، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۸- مرجع شناسی و روش تحقیق در ادب فارسی؛ غلامرضا ستوده، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- ۹- مکاتبات اداری؛ خسرو قاسمیان. انتشارات زر، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۱۰- نگارش و ویرایش؛ احمد سمیعی (گیلانی). انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸.

ب) فهرست منابع زبان‌شناسی و دستور زبان

- ۱- تاریخ مختصر زبان‌شناسی؛ آر.اچ. روبینز. مترجم: علی محمدحقیق‌شناس، نشر مرکز، ۱۳۷۸.
- ۲- توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی؛ محمدرضا باطنی، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۷۳.
- ۳- چهار گفتار درباره‌ی زبان فارسی؛ محمدرضا باطنی، آگاه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
- ۴- دستور زبان فارسی؛ پرویز ناتل خانلری، انتشارات توس، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.
- ۵- دستور زبان فارسی (۱)؛ تقی وحیدیان کامیار و غلامرضا عمرانی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹.

- ۶- دستور زبان فارسی (۲)؛ حسن انوری و حسن احمدی گیوی، انتشارات فاطمی، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.
- ۷- دستور زبان فارسی امروز؛ غلامرضا ارژنگ، نشر قطره، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
- ۸- دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتار؛ مهدی مشکوة الدینی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۹- زبان شناسی و زبان؛ جولیا.اس. فالک، مترجم خسرو غلامعلی‌زاده، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- ۱۰- زبان‌شناسی همگانی؛ اچسون، جین، مترجم: حسین وثوقی، انتشارات کتابسرا، ۱۳۶۳.
- ۱۱- زبان و تفکر؛ محمدرضا باطنی، انتشارات آبانگاه، چاپ ششم، ۱۳۷۸.
- ۱۲- ساخت آوایی زبان؛ مهدی مشکوة الدینی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
- ۱۳- ساخت زبان فارسی؛ خسرو غلامعلی‌زاده، انتشارات احیاء کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ۱۴- کلیات زبان‌شناسی؛ محمود فرخ‌پی، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- ۱۵- مقدمات زبان‌شناسی؛ مه‌ری باقری، نشر قطره، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ۱۶- نحو زبان فارسی؛ سید علی میرعمادی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۷- نگاهی به زبان؛ جورج یول، ترجمه‌ی: نس‌رین حیدری، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۴.

پ) فهرست منابع کلیات و روش‌ها

- ۱- روان‌شناسی پرورشی؛ علی‌اکبر سیف. انتشارات آگاه، چاپ ششم، ۱۳۷۱.
- ۲- روان‌شناسی تربیتی؛ لیتل. گیج، دیویدسی، لاینز. مترجمان: خوی‌نژاد و گروهی دیگر، نشر پاژ، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۳- روش‌های اندازه‌گیری و ارزش‌یابی آموزشی؛ علی‌اکبر سیف، انتشارات آگاه.

